

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری



شورای عالی حوزه های علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه ریحانه

شهرستان اصفهان

# نسل جوان و حضرت صادق (ع)

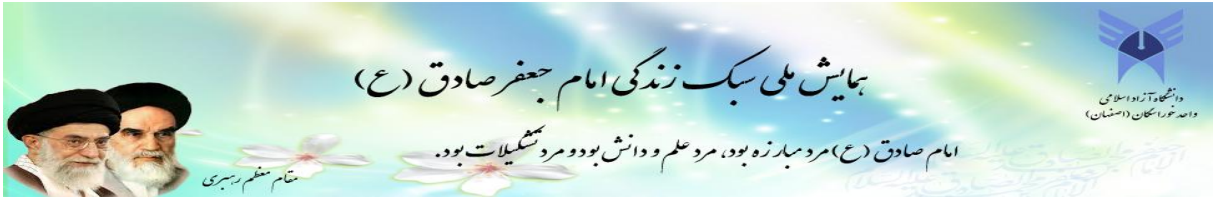
تهیه و تنظیم:

مهسا حسن پور

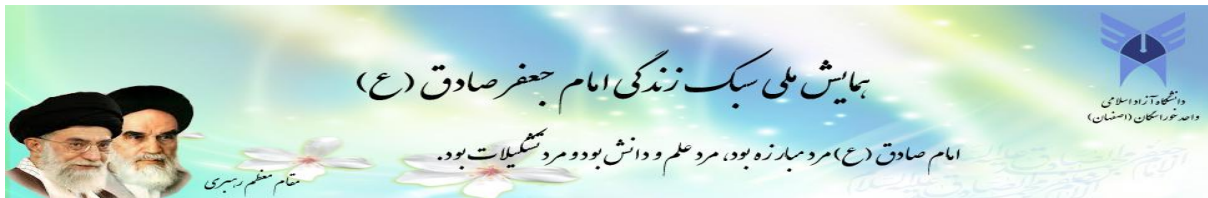
کد پستی: ۹۱۱۲۲۰۱۱۹۴

بلوار کشاورز - خیابان شهید مفتح - جنب شهرداری منطقه ۱۳ - مدرسه علمیه ریحانه. ۰۳۱۱-۷۷۵۱۳۷۱

پاییز ۹۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## نسل جوان و امام صادق (ع)

### چکیده

مهسا حسن پور<sup>۱</sup>

نوشته حاضر سیری گذرا و اجمالی در سیره اخلاقی امام صادق (ع) و نسل جوان و گوشه ای از سخنان ایشان را آنگونه که در تاریخ ثبت شده نشان می دهد. جوانی بهار عمر و جوان بهترین و مفیدترین قشر جامعه است. جوانان قشر متحرک، فعال و پرشور و نشاط جامعه را تشکیل می دهند. آنها با استعدادهای فراوان نشاط بسیار راههای سخت و ناهموار پیشرفت را می پیمایند و زمام فردای جامعه را به دست می گیرند. بدین جهت تمام نظامها و حکومتها روی این قشر عظیم سرمایه گذاری می کنند. در این راستا انبیاء و معصومان نیز توجه ویژه ای به جوانان داشته اند.

آنچه از این مقاله دستگیر ما میشود اینکه انبیاء و اولیاء به تعلیم و تربیت جوانان بسیار سفارش کرده اند و امام صادق (ع) می فرمایند:

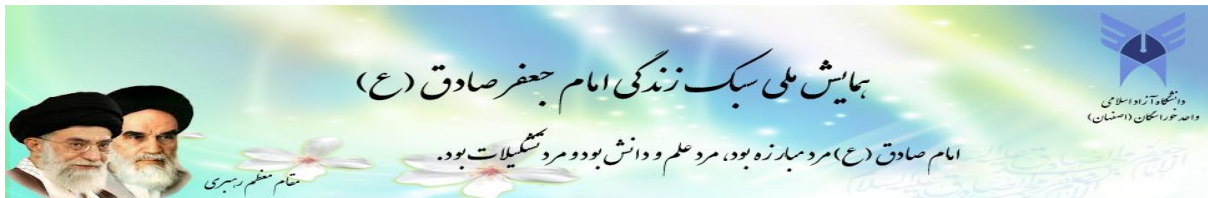
«فرزند هفت سال اول را بازی نماید در هفت سال دوم آموزش یابد و در هفت سال سوم (حلال و حرام) را فراگیرد.

و همچنین می فرمایند: آنکه حدیث ماراروایت کند و بدان وسیله دل های شیعیان مارقوی و استوارگرداند از هزار عابد برتر است.

**کلیدواژگان:** امام صادق (ع) - جوانی (بهار عمر) - تربیت - اخلاق .

---

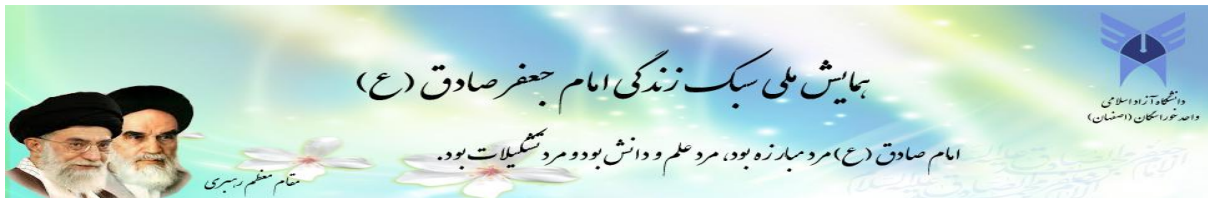
<sup>۱</sup> طلبه سال دوم مدرسه ریحانه



## مقدمه

جوانان و نوجوانان در هر جامعه‌ای گنجینه‌های سرشاری هستند که اگر مریبان و متولیان برای این قشر عظیم سرمایه گذاری شایسته انجام داده و این گروه فعال و پرشور را با رفتار حکیمانه و تکریم شخصیت و احترام به نیازها، به اهداف مطلوب و ایده‌آل خود هدایت نمایند، علاوه بر این که آنان را از خطر انحراف و تردید در هویت و آسیب‌های اجتماعی مصونیت بخشیده‌اند، قلب‌های پاک و زلال آنان را به سوی خوبی‌ها، زیبایی‌ها و اخلاق پسندیده رهنمون شده‌اند، و جامعه آینده را از نظر سلامتی و حفظ ارزش‌ها و فرهنگ، بیمه نموده‌اند. امام صادق علیه السلام در مورد سرمایه گذاری معنوی برای نسل نو و حفاظت نوجوانان از گروه‌های منحرف و کج اندیش، می‌فرماید: «با درو احداثکم بالحديث قبل ان يسبقکم اليهم المرجعۃ؛ نوجوانان خود را با احادیث ما آشنا کنید قبل از این که مرجعه (یکی از گروه‌های منحرف) بر شما پیشی گیرند.

دراین نوشتار پرتویی از سخنان و سیره امام صادق (ع) را در زمینه مربوط به جوانان از کتابهای معروفی چون بحار الانوار، وسائل الشیعه مطرح می‌نمائیم.



## ۱. ارتباط با نسل جوان

هدایت و تربیت نسل جوان به لحاظ اهمیتی که دارد امروزه بیش از گذشته مورد توجه اندیشمندان و دل سوزان جوامع مختلف قرار گرفته است. جوان دارای خصوصیات عاطفی، اجتماعی و جسمانی است. حساسیت، تنوع خصلت‌های رفتاری، هیجان‌های درونی، علاقه شدید به دوستی با همسالان، عدم کنترل رفتار، حب ذات، الگو پذیری و تقلید، افتخار به شخصیت و تشخیص طلبی و میل به آزادی، شمه‌ای از ویژگی‌های اوست.

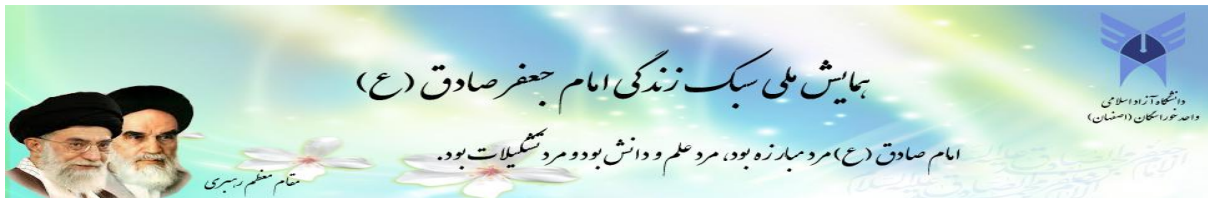
با توجه به این ویژگی‌ها، شیوه رفتاری امام صادق علیه السلام با جوانان، و همچنین سخنان و دستور العمل‌های آن حضرت برای جوانان و برخورد با آنان، بهترین نسخه شفا بخش و راهگشاست. نگاه‌های مهربان، بزرگداشت شخصیت، توجه به استعداد و صلاحیت آنان، احترام به نیازهای فردی و اجتماعی، رفتار محبت‌آمیز و حکیمانه و سرشار از عاطفه و خلوص، موجب جذب جوانان به سوی آن حضرت بود و شیفتگی آنان به رهبر خویش، ریشه در شیوه رفتار و گفتار آن حضرت نسبت به مخاطبین و شاگردان خویش دارد.

آن حضرت به سرعت پذیرش سجایای اخلاقی در نوجوانان توجه کرده و به ابوجعفر؛ مؤمن طاق می‌فرماید:

«علیک بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر؛<sup>۲</sup> بر تو باد تربیت نوجوانان، زیرا آنان زودتر از دیگران خوبی‌ها را می‌پذیرند.»

در اینجا چند نمونه از رفتار آن حضرت را در برخورد با نسل جوان می‌خوانیم:

<sup>۲</sup> الکافی. ج. ۸. ص ۹۳.



## بایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

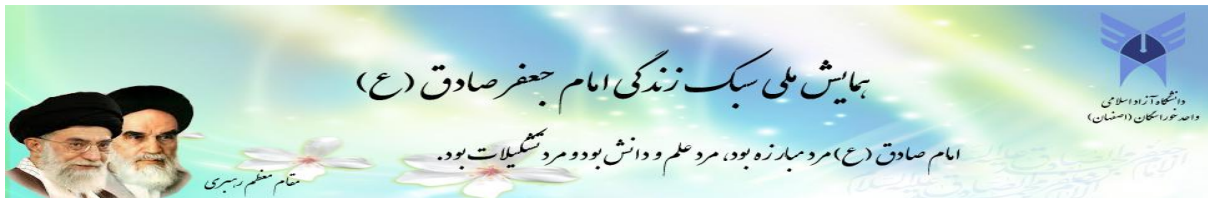


۱ - آن روز یکی از شلوغ‌ترین ایام حج بود. امام صادق علیه السلام با گروهی از یارانش گفت و گو می‌کرد. در این هنگام هشام بن حکم که تازه به دوران جوانی گام نهاده بود، خدمت امام رسید. پیشوای شیعیان از دیدن این جوان شادمان شد، او را در صدر مجلس و کنار خویش نشاند و گرمی داشت. این رفتار امام، حاضران را که از شخصیت‌های علمی شمرده می‌شدند، شگفت زده ساخت. وقتی امام علیه السلام آثار شگفتی را در چهره حاضران مشاهده کرد فرمود: «هذا ناصرنا بقلبه و لسانه و یده؛ این جوان با دل و زبان و دستش (با تمام وجود) یاور ماست.» سپس برای اثبات مقام علمی هشام برای حاضرین، درباره نام‌های خداوند متعال و فروع آن‌ها از وی پرسید و هشام همه را به نیکی پاسخ گفت. آن گاه حضرت فرمود: «هشام! آیا چنان فهم داری که با منطق و استدلال دشمنان ما را دفع کنی، هشام گفت: آری. امام فرمود: «نفعک الله به و ثبتک؛ خداوند تو را از آن بهره‌مند سازد و [در این راه] ثابت قدم بدارد.» هشام می‌گوید: بعد از این دعا هرگز در بحث‌های خداشناسی و توحید شکست نخوردم.<sup>۳</sup>

۲ - مفضل بن عمرو نماینده امام صادق علیه السلام در شهر کوفه بود. او از طرف امام موظف بود به مشکلات دینی، مالی و اجتماعی مردم کوفه رسیدگی کند و در این رابطه با جوانان شهر ارتباط صمیمانه و مستحکمی برقرار کرده بود، برای همین عده‌ای این دوستی را نتوانستند تحمل کنند، ناچار به شایعه و افتراء روی آوردند و مفضل و یارانش را به شرابخواری، ترک نماز، کبوتر بازی و حتی به سرقت و راهزنی متهم کردند. این گروه، که ابوالخطاب معزول و طرفدارانش از فعالان آن شمرده می‌شدند، شایع کردند

که مفضل افراد بی‌مبالات و لاپابالی را پیرامونش گرد آورده است. وقتی این شایعات به اوج رسید، گروهی از مومنان و مقدسان کوفه به محضر امام صادق علیه السلام چنین نوشتند: «مفضل با افراد رذل و شرابخوار و کبوتر باز هم‌نشین است، شایسته است دستور دهید این افراد را از خود دور سازد.»

<sup>۳</sup> بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۹۵



## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

امام صادق علیه السلام بدون این که با آنان در این باره سخن بگوید، نامه‌ای برای مفضل نوشته، مهر کرد و به آنان سپرد تا به مفضل برسانند. حضرت تصریح کرد که نامه را خودشان شخصا به مفضل تحویل دهند. آنان به کوفه برگشتند و دسته جمعی به خانه مفضل شتافتند و نامه امام صادق علیه السلام را به دست مفضل دادند. وی نامه را گشود و متن آن را قرائت کرد. امام علیه السلام به مفضل دستور داده بود که: چیزهایی بخرد و به محضر امام علیه السلام ارسال کند. در این نامه اصلا اشاره‌ای به شایعات نشده بود. مفضل نامه را خواند و آن را به دست همه حاضران داد تا بخوانند. سپس از آنان پرسید: اکنون چه باید کرد؟ گفتند: این اشیاء خیلی هزینه دارد. باید بنشینیم، تبادل نظر کنیم و از شیعیان یاری جوییم. در واقع هدفشان این بود که فعلا خانه مفضل را ترک کنند. مفضل گفت: تقاضا می‌کنم برای صرف غذا در اینجا بمانید. آنان به انتظار غذا نشستند. مفضل افرادی را به سراغ همان جوانانی که از آن‌ها بدگویی شده و به کارهای ناروا متهم شده بودند فرستاد و آنان را احضار کرد. وقتی نزد مفضل آمدند، نامه حضرت صادق علیه السلام را برای آنان خواند. آنان، با شنیدن کلام امام صادق علیه السلام برای انجام فرمان حضرت از خانه خارج شدند و پس از مدت کوتاهی بازگشتند. هر کدام به اندازه وسع خویش روی هم نهاده و در مجموع ۲ هزار دینار و ده هزار درهم در برابر مفضل نهادند. آن‌گاه مفضل به شکایت کنندگان که هنوز از صرف غذا فارغ نشده بودند نگریست و گفت: شما می‌گوئید این جوانان را از خودم برانم و گمان می‌کنید خدا به نماز و روزه شما نیازمند است؟!<sup>۳</sup>

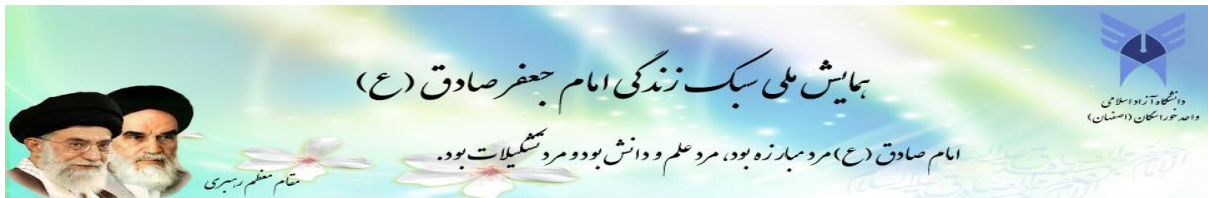
در اینجا به بخشی از شیوه‌ها و راه کارهای عملی برخورد و هدایت جوانان در پرتو گفتار و رفتار صادق آل محمد علیهم السلام می‌پردازیم:

<رفتار نیکو و ملایم

<آگاهی دادن در مسائل دینی

<شناساندن آسیب‌های اجتماعی

<sup>۳</sup> به نقل از معجم رجال الحدیث



<ترغیب به دانش افزایی

<عادت دادن به حسابرسی

<تعدیل حس دوست خواهی

<ضرورت ازدواج

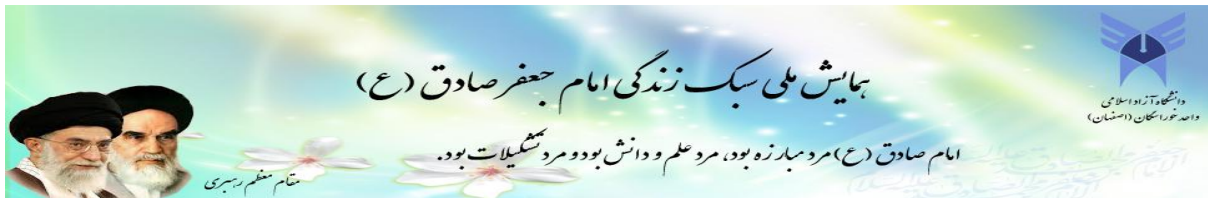
<تشویق به نماز

<تقویت اندیشه های مثبت

## ۱-۱ رفتار نیکو و ملایم

نوجوان قلبی پاک و روحی حساس و دلی نازک و عاطفی دارد. در برخورد با او باید راه نرمی و ملایمت پیش گرفت. نگاه مهربان، ارزش دادن به شخصیت و رفتار خوش، بهترین شیوه ارتباط با اوست. محبت، اظهار علاقه، صدا کردن با القاب، عناوین و نام های زیبا او را به سوی مبلغ و مربی جذب می کند و در این حال می توان ارتباط قلبی و عاطفی با او ایجاد کرد، سخنانش را شنید، راهنمایی کرد، لغزش ها را متذکر شد و بالاخره در عالم دوستی که یک ارتباط شدید روحی و عاطفی برقرار است، می توان صفات زیبا را به او القاء نمود، نیازهای بسیاری را از او برطرف کرد و از آلودگی ها او را بر حذر داشت، زیرا گرایش جوان به خوبی ها و زیبایی ها از دیگران بهتر و سریع تر انجام می پذیرد.





امام صادق علیه السلام فرمود: «من لم تكن فيه ثلاث خصال لم ينفعه الايمان: حلم يرد به جهل الجاهل. و ورع يحجزه عن طلب المحارم. و خلق يدارى به الناس؛<sup>٥</sup> هر کس سه خصلت را دارا نباشد از ایمان خود سودی نخواهد برد:

اول - بردباری، که جهل نادان را برطرف کند.

دوم - پارسائی، که او را از حرام باز دارد.

سوم - رفتار نیکو که با مردم مدارا نماید.»

## ۱-۲ آگاهی دادن در مسائل دینی و دین شناسی

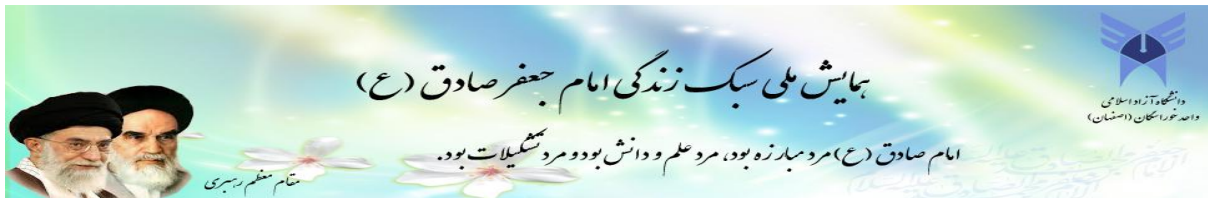
یکی از علل فاصله گرفتن جوانان از دین و مسایل مذهبی ناآگاهی آنها از دین است. جوانان چون بصیرت و آگاهی کافی از دین ندارند، تحت تأثیر تبلیغات سوء دشمنان قرار می گیرند. امام صادق علیه السلام به بشیردهان (روغن فروش) فرمود:

«الْآخِرَ فِي مَنْ لَا يَتَفَقَّهُ مِنْ أَصْحَابِنَا يَا بَشِيرُ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا لَمْ يَسْتَعْنِ بِفَقْهِهِ إِحْتِاجَ إِلَيْهِمْ فَإِذَا إِحْتِاجَ إِلَيْهِمْ أَذْخَلُوهُ فِي بَابِ ضَلَالَتِهِمْ وَ هُوَ يَعْلَمُ»<sup>٦</sup>؛ خیری نیست در آن گروه از اصحاب ما که تفقه در دین نمی کنند. ای بشیر! اگر یکی از شما به مسایل دینی اش آشنا نباشد به دیگران محتاج می شود و زمانی که به آنها نیازمند شد آنها ناخواسته او را در وادی گمراهی خود وارد می سازند.

در این زمان که همه ابزارها و راه های انحراف فکری از سوی دشمنان دین مهیاست - از رسانه های صوتی و تصویری گرفته تا مطبوعات و کتاب های انحرافی و...- جوانان با طوفانی از تهاجم فرهنگی مواجه اند و اگر آمادگی های لازم دینی را نداشته باشند در برابر شبهات و القائات فکری

<sup>٥</sup> بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٢٣٧.

<sup>٦</sup> بحار الأنوار، ج ١، ص ٢٢، کافی، ج ١، ص ٣٣.



مکاتب و فلسفه‌های مختلف تسلیم می‌شوند. امام صادق علیه‌السلام عنایت ویژه‌ای به بصیرت و بینش دینی جوانان داشت. آن حضرت فرمود: «لَوَأْتَيْتُ بِشَابٍ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لَأَدْبُتُهُ»؛ اگر به جوانی از جوانان شیعه برخورد کنم که در دین تفقه نمی‌کند او را تأدیب خواهم کرد.

نیز فرمود: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ وَ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا»<sup>۷</sup> کسی که بدون آگاهی و بینش به دین عمل می‌کند همانند کسی است که از بیراهه می‌رود و تند روی او جز دوری از راه نمی‌افزاید.

نیز فرمود: «أَنْظُرُ لِكُلِّ مَنْ لَا يُفِيدُكَ مَنَفَعَةً فِي دِينِكَ فَلَا تَعْتَدَنَّ بِهِ وَ لَا تَرْغَبَنَّ فِي صُحْبَتِهِ فَإِنَّ كُلَّ مَسِيئَةٍ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مُضْمَحَلٌّ وَ خِيمَ عَاقِبَتُهُ»؛ هرکسی که مفید به حال دین تو نیست به او اعتنا مکن و علاقه‌ای به رقابت با او نشان مده. هر آنچه غیر الهی است نابود شدنی است و عاقبت ناخوشایندی خواهد داشت.<sup>۸</sup>

امام صادق علیه‌السلام به یکی از یارانش فرمود:

«بَابِنِ جُنْدَبٍ! بَلِّغْ مَعَاشِرَ شِيعَتِنَا وَ قُلْ لَهُمْ: لَا تَذْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ، فَوَاللَّهِ لَا تُنَالُ وَ لَا يَتَنَا إِلَّا بِالْوَرَعِ وَ الاجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا وَ مُوسَاةِ الْأَخْوَانِ فَيَاللَّهِ»<sup>۹</sup>؛ ای پسر جندب! به شیعیان ما بگو: مواظب باشید فرقه‌ها و گروه‌ها شما را منحرف نسازند. به خدا سوگند! هیچ کس به جرگه ولایت ما در نمی‌آید، مگر با رعایت پارسایی و تلاش در دنیا و همیاری با برادران دینی.

ضرورت یادگیری احکام دینی در منظر پیشوای ششم آنقدر مهم است که می‌فرماید: «لو اتيت بشاب من شباب الشيعة لا يتفقه لادبته»<sup>۱۰</sup> اگر به جوانی از جوانان شیعه برخورد نمایم که در دین تفقه نمی‌کند او را تأدیب خواهم کرد.»

### ۱-۳ شناساندن آسیب‌های اجتماعی

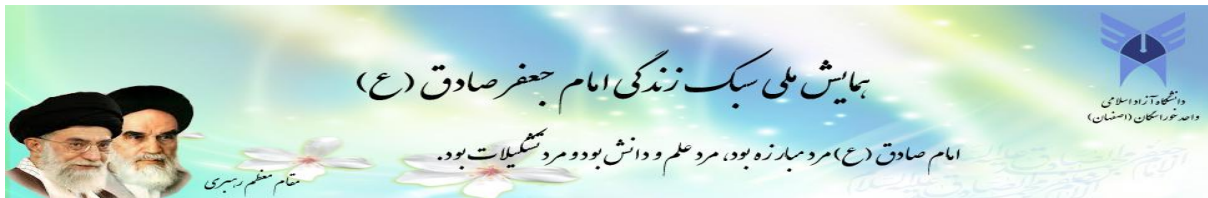
آشنا نبودن نسل جدید با آفت‌های اجتماعی موجب افت ارزش‌های اخلاقی و توفیق دشمنان فرهنگی و رواج خلاف و حرام در میان آنان می‌باشد. اگر جوانان با این آفت‌ها آشنا باشند و از عواقب بد آن در میان افراد جامعه اطلاع یابند، بنابر فطرت پاکی که خداوند در نهاد آنها

<sup>۷</sup> کافی ج. ۱ ص. ۴۳ بحار الانوار ج. ۱ ص. ۲۰۶

<sup>۸</sup> میزان الحکمه ج. ۵ ص. ۳۰۶

<sup>۹</sup> بحار الانوار ج. ۱ ص. ۱۷

<sup>۱۰</sup> بحار الانوار ج. ۱ ص. ۲۱۴



قرار داده از آن آفت‌ها فاصله خواهند گرفت و دامن خویش را به چنین آفت‌های اجتماعی آلوده نخواهند کرد. صادق آل محمد (ع) مواردی از آفت‌های اجتماعی را چنین فهرست کرده است:

(الف) ستم کردن

(ب) فریبکاری

(ج) خیانت

(د) تحقیر و خوار کردن دیگران

(ه) اف گفتن: (نق بزند، غرغر کند و به این وسیله زحمات دیگران را نادیده گرفته و خود را چیزی پندارد.)

(و) دشمنی، کینه توزی و اظهار عداوت با برادران دینی

(ز) تهمت زدن

(ح) داد و فریاد و پرخاشگری

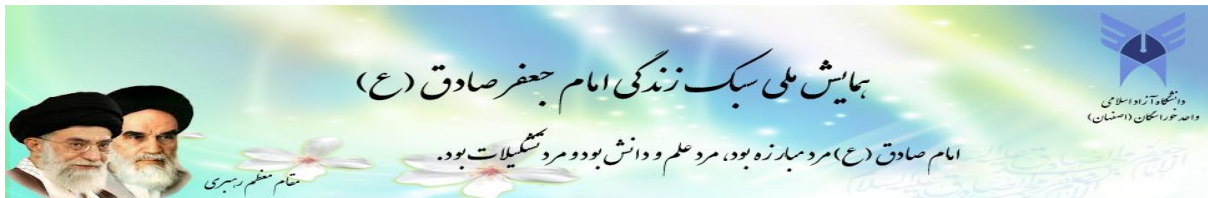
(ط) طمع کاری و حرص به دنیا.

«و ان لایظلمه و ان لایغشه و ان لایخونه و ان لایخذله و ان لایکذبه و ان لایقول له اف و اذ قال له اف فلیس بینهما ولایة و اذ قال له انت عدوی فقد کفر احدهما و اذا اتهمه انما انما الایمان فی قلبه کما ینماث الملح فی الماء؛<sup>۱۱</sup> به برادر ایمانی خود ستم ننماید، او را فریب ندهد، به او خیانت نکند، او را کوچک نشمارد، او را دروغگو نخوانید، به او اف نگویید و اگر به او اف بگویید (غرغر کنید) ولایت بین آن دو قطع می‌شود و اگر به برادر ایمانی‌اش بگویید تو دشمن من هستی، یکی از آن دو کافر [باطنی] می‌شود و اگر برادرش را متهم نماید، ایمان در قلب او ذوب می‌شود مانند ذوب شدن نمک در آب.»<sup>۱۲</sup>

<sup>۱۱</sup> وسائل الشیعه ج. ۱۲ ص. ۲۰۸

<sup>۱۲</sup> در حدیث دیگری آن حضرت طمع نورزیدن و پرخاش نکردن را از نشانه های یک شیعه کامل شمردند.

شیعتنا لایهرون هریر الکلب ولا یطمعون طمع الغراب (مستدرک الوسائل ج. ۱۲ ص. ۶۹)



## ۱-۴ ترغیب به دانش افزایی

یک جوان مسلمان باید از علوم روز آگاهی کافی داشته باشد. تخصص در کنار تعهد یک اصل مسلم و تردید ناپذیر در فرهنگ ما است. کسانی در عرصه زندگی به اهداف دلخواه خود می‌رسند که با شناخت دانش‌ها و مهارت‌های عصر خود به قله‌های سعادت نائل شده و با تعهد و ایمان خویش، اعتماد افراد جامعه را به خود جلب می‌کنند. از منظر حضرت صادق علیه السلام کسب دانش و مهارت‌های فنی برای یک جوان ضروری است، آن حضرت می‌فرماید:

«أَنْتَ أَحَبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيَا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا»<sup>۱۳</sup>؛ دوست ندارم یکی از شما جوانان را ببینم؛ مگر در یکی از دو حال: یا دانا یا در حال یادگیری و دانش‌اندوزی.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا وَ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا»<sup>۱۴</sup>؛ از ما نیست کسی که به بزرگترها احترام و به کوچکترها رحم نکند.

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که هرگز امام حسین علیه‌السلام جلوتر از امام حسن علیه‌السلام حرکت نمی‌کرد و اگر آن دو باهم بودند هرگز امام حسین علیه‌السلام جلوتر از امام حسن علیه‌السلام سخن نمی‌گفت.<sup>۱۵</sup>

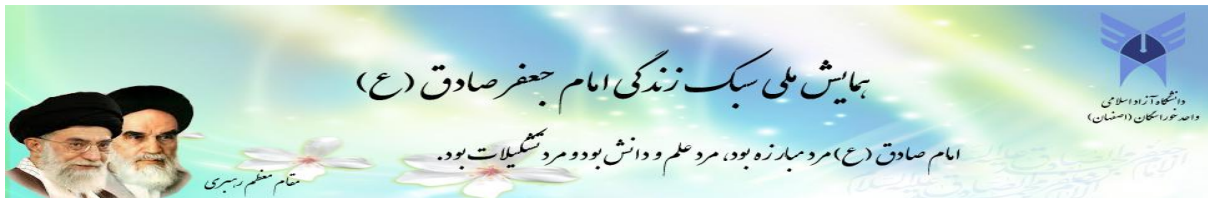
## ۱-۵ عادت دادن به حسابرسی

یک تاجر زمانی در کار خود پیشرفت می‌کند که در هر شبانه روز به حساب خود رسیدگی کرده و سود و زیان معاملات خویش را بداند و گرنه بعد از مدت کوتاهی سرمایه و هستی

<sup>۱۳</sup>..مشکاه الانوار.ص ۱۷۰ و ۱۶۸

<sup>۱۴</sup> همان

<sup>۱۵</sup> وسائل الشیعه.ج ۲۰.ص ۱۷.

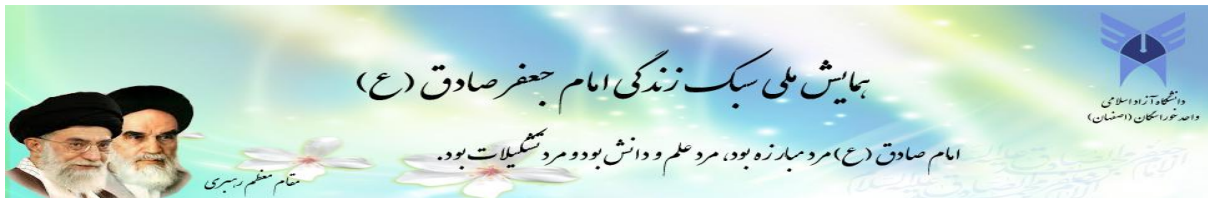


خود را از دست خواهد داد. جوانی، یک سرمایه و فرصت بسیار عالی برای هر شخص می‌باشد. اگر یک جوان به حساب عمر خود رسیدگی نکند و نداند که آیا در مقابل عمر خویش چه چیزی به دست آورده است، در آینده‌ای نه چندان دور سرمایه معنوی خویش را به باد فنا خواهد داد. اما اگر به حساب روزانه‌اش برسد و ببیند که در مقابل هر روز از دست رفته، یک قدم به سوی کمال برداشته، خوشحال شده و آن را تکرار کند و در مقابل انحطاط فکری و اخلاقی غمگین گشته و سعی در جبران آن داشته باشد، بدیهی است که رو به سوی رشد و ترقی خواهد نهاد. امام صادق علیه السلام به ابن جنذب که یک جوان فعال و پرشور و با ایمان بود می‌فرماید: «یا بن جنذب! حق علی کل مسلم يعرفنا ان يعرض عمله فی کل یوم و لیلۃ علی نفسه فیکون محاسب نفسه فان رای حسنة استزاد منها و ان رای سیئة استغفر منها و لئلا یخزی یوم القیامة؛<sup>۱۶</sup> ای پسر جنذب! هر مسلمانی که ما را می‌شناسد شایسته است که رفتار و کردار خود را در هر شبانه روز بر خود عرضه دارد و حسابگر نفس خویش باشد تا اگر کار نیکی در آن‌ها دید، بر آن بیفزاید و اگر کار بدی در اعمال خود مشاهده نمود، از آن‌ها توبه کند، تا در روز قیامت دچار ذلت و حقارت نشود.»

## ۱-۶ تعدیل حس دوست‌خواهی

انسان با انس به دوستانش احساس مسرت و لذت می‌کند. او در همنشینی با رفیق شفیق، نشاط و نیرو می‌گیرد و این یک نیاز طبیعی اوست و باید ارضاء شود. یک جوان در اثر این حس به سمت دوستان و همفکران خود کشیده می‌شود، او عاشق رفاقت است و دنبال ارتباط با هم سن و سالان خود می‌باشد. از طرف دیگر بر اثر غلبه احساسات و شور و شوق جوانی و نپختگی نگرش عقلانی، ممکن است در دام دوستان ناباب و یا صیادان و شیادان بیفتد. از این

<sup>۱۶</sup>. به نقل از تحف العقول



رو در انتخاب یک دوست ممکن است دچار مشکلات گردد. امام جعفر صادق علیه السلام دقیقاً روی همین نکته انگشت اشارت نهاده و به جوانان چنین رهنمود می‌دهد: «الاخوان ثلاثة: فواحد كالغذاء الذي يحتاج اليه كل وقت فهو العاقل. و الثاني في معنى الداء و هو الحق. و الثالث في معنى الدواء فهو اللبيب»<sup>۱۷</sup> دوستان سه دسته هستند. اول: کسی که مانند غذا در هر زمان به او نیاز هست و او دوست عاقل است. دوم: کسی که [برای انسان] مانند بیماری و درد [رنج آور] است، و او دوست احمق [و نادان] است و سوم: کسی که وجودش برای فرد همانند داروی حیات بخش است، و آن رفیق روشن بین [و اهل تفکر] است.»

## ۱-۷ ضرورت ازدواج

هر جوانی فطرتاً نیازمند ازدواج است و باید به این نیاز خدادادی و طبیعی از طریق مشروع جواب داد. اما بعضی جوانان با بهانه قرار دادن بعضی مشکلات و سختی‌ها از این سنت الهی روی بر تافته و خود را در دام نفس شیطانی گرفتار می‌کنند. به آنان باید توجه داده شود که این پیمان مقدس در تمام ملت‌ها وجود داشته و محبوبترین بنیان نزد خداوند متعال است. با ازدواج، شخصیت و ایمان دو جوان کامل می‌شود.

چیزی که قدر و قیمت عبادت را نزد خدا بالا می‌برد اطاعت از خدا و اجتناب از معاصی است و آنچه ارزش عبادت را کم می‌کند، ارتکاب معصیت است. بنابراین کسی که ازدواج کرد، از دو نظر ارزش عبادت او بیشتر و در نتیجه ثواب او زیادت‌تر است:

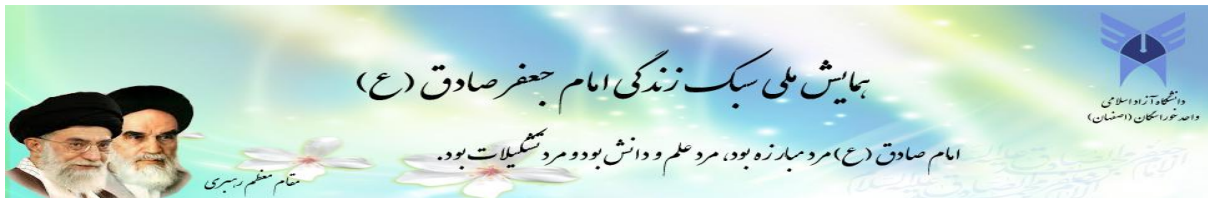
۱. عمل به سنت<sup>۱۸</sup> پیغمبر اکرم (ص) نموده و بدین وسیله اطاعت از خدا کرده است؛

۲. به واسطه‌ی ازدواج از بعضی گناهان در امان بوده و قهراً از آنها به دور است.

امام صادق (ع) درباره ازدواج فرمود:

<sup>۱۷</sup> بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷

<sup>۱۸</sup> وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷



## بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری



«من تزوج آحرز نصف دینه فلیتق الله فی النصف الآخر»<sup>۱۹</sup>؛ کسی که ازدواج کند نیمی از دین خود را به دست آورده است. پس باید در مورد نصف دیگر از خدا بترسد. نیز فرمود:

«رکعتان یتصلیهما المتزوج افضل من سبعین رکعة یتصلیهما اعزب»<sup>۲۰</sup>؛ دو رکعت نمازی که متأهل می خواند<sup>۱</sup>

برتر است از هفتاد رکعت نمازی که مجرد می خواند.

امام صادق (ع) فرمود: شخصی نزد پدرم آمد و از او سؤال کرد: فلانی! زن داری یا نه؟ گفت: خیر. پدرم فرمود: فلانی! اگر خدا دنیا و آنچه که در دنیا است به من بدهد و بگوید یک شب بی زن باش، قبول نمی کنم.<sup>۲۱</sup>

علی بن رعب می گوید: زراره به خدمت امام صادق (ع) رسید. حضرت از او سؤال کرد. ای زراره! آیا ازدواج کرده ای؟ زراره پاسخ داد: خیر. حضرت فرمود: چه عاملی موجب ترک ازدواج شما شده است؟ زراره عرض کرد: من نمی دانم ازدواج با اینها (مخالفین) خوب است یا خیر؟ حضرت فرمود: پس چگونه صبر می کنی و خود را حفظ می کنی با این که جوان هستی؟ زراره عرض کرد: کنیز می خرم. حضرت فرمود: چگونه نکاح با کنیزان را خوب می دانی؟ زراره عرض کرد: اگر مشکلی با آنها داشته باشم آنها را می فروشم. حضرت فرمود: از این جهت از تو سؤال نمی کنم. سؤال من این است که چگونه آنها را برای خود خوب می دانی با این که آنها نیز از مخالفین هستند؟ زراره فرمود: آیا امر می فرمایید ازدواج کنم؟ فرمود: این مسأله به اختیار شماست.<sup>۲۲</sup>

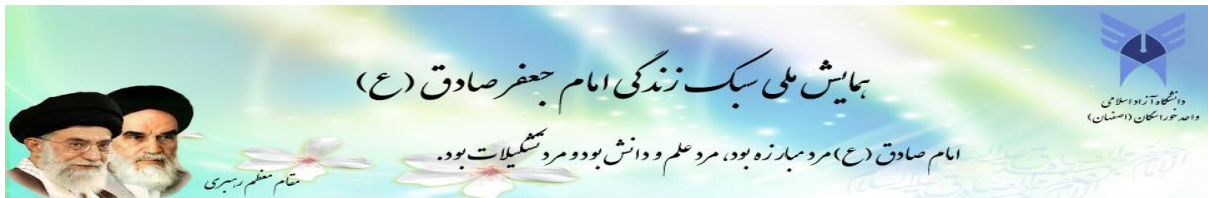
### ۸-۱ تشویق به نماز

<sup>۱۹</sup> همان ج. ۱۴. ص ۶

<sup>۲۰</sup> اخلاق درخانه. ج. ۱. ص ۵۴

<sup>۲۱</sup> بحار الأنوار. ج. ۷۲. ص ۱۶۶

<sup>۲۲</sup> میزان الحکمه. ج. ۴. ص ۲۷۳. گفتار فلسفی. ج. ۱. ص ۶۶



بر اساس متون دینی ما نماز عامل کمال انسان و حافظ او از آلودگی‌ها و صفات مذموم و ناپسند است. همچنین این رفتار معنوی تاثیر بسزایی در بیدار کردن روح نظم و حفظ نظام انسان دارد. نماز تسلی بخش و آرامش بخش دل‌های مضطرب در انسان‌های خسته و نگران است. نماز شاخص رهروان راه خدا و بهترین وسیله ارتباط صمیمانه رب العالمین است. تجربه و آمار گواهی می‌دهد که درصد بالایی از خلافکاران و هنجارشکنان در جامعه اسلامی در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که یا نماز نمی‌خوانند و یا آن را سبک می‌شمارند. پیشوای ششم جایگاه مهم نماز را در زندگی و رفتار روزانه یک مسلمان برای اقشار مختلف به ویژه جوانان تبیین نموده و فرمود: «اول ما یحاسب به العبد علی الصلوة فاذا قبلت قبل منه سائر عمله و اذا ردت علیه رد علیه سائر عمله»<sup>۳۳</sup> [روز قیامت] اولین چیزی که از بنده محاسبه می‌شود نماز است. اگر از او نماز پذیرفته شد، سائر اعمالش پذیرفته می‌شود اما اگر نماز او رد شد سایر اعمال [نیک] او نیز رد خواهد شد.»

آن حضرت در مورد زیان‌هایی که در اثر دوری از نماز برای انسان رخ می‌دهد به ابن جنذب فرمود: «ویل للساھین عن الصلوات، النائمین فی الخلوات، المستهزئین بالله و آیاته فی الفترات اولئک الذین لاخلاق لهم فی الآخرة و لا یکلمهم الله یوم القیامة و لا یرزقهم و لهم عذاب الیم»<sup>۲۴</sup> وای بر آن‌ها که از نماز غفلت کنند و در خلوت بخوابند و خدا و آیاتش را در دوران ضعف دین استهزاء کنند، آنان کسانی هستند که در آخرت بهره ندارند و خدا در روز قیامت با آنان سخن نخواهد گفت و آنان را تبرئه نخواهد کرد و عذاب دردناک برای آنهاست.» و همچنین حضرت در مورد تلاوت قرآن می‌فرماید:

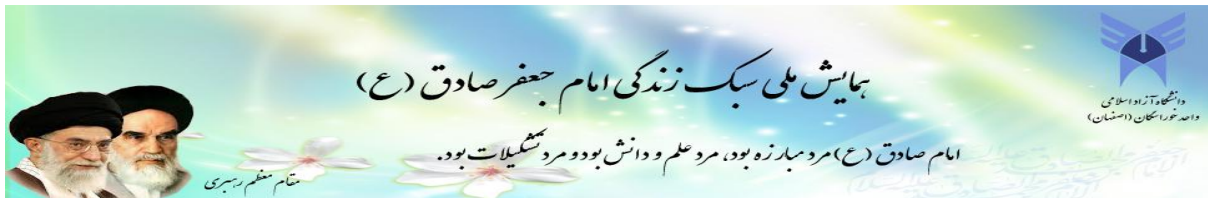
خانه‌ای که یک فرد مسلمان در آن قرآن تلاوت می‌کند، برای اهل آسمان نورانی دیده می‌شود، همچنان که مردم دنیا در آسمان ستاره درخشان را می‌بینند.<sup>۲۵</sup>

<sup>۳۳</sup> من لایحضره الفقیه، ج. ۱، ص. ۲۰۸.

<sup>۲۴</sup> . به نقل از تحف العقول

<sup>۲۵</sup> کافی، ج. ۲، ص. ۶۱۰.





## ۹-۱ تقویت اندیشه‌های مثبت

با تقویت تفکر مثبت در جوانان می‌توان صفات نیک و خصلت‌های زیبا را در وجود آنها ایجاد کرد. آن گاه با فضا سازی مناسب و به وجود آوردن بسترهای لازم، آنها را به تکرار رفتارهای مثبت متمایل کرده و آن رفتارها را به صورت عادات پایدار در وجود آنان در آورد. بخشی از اندیشه‌های مثبت در کلام امام جعفر صادق علیه السلام عبارتند از:

الف) زیارت دوستان و تقویت حس همیاری: آن حضرت نیکی به دوستان و دیدار آنان را برترین عبادت بر شمرده و فرمود: «ما یعبد الله بمثل نقل الاقدام الی بر الاخوان و زیارتهم؛ خداوند به چیزی همانند گام برداشتن در راه نیکی به برادران دینی و دیدار و زیارت آنها عبادت نشده است.»

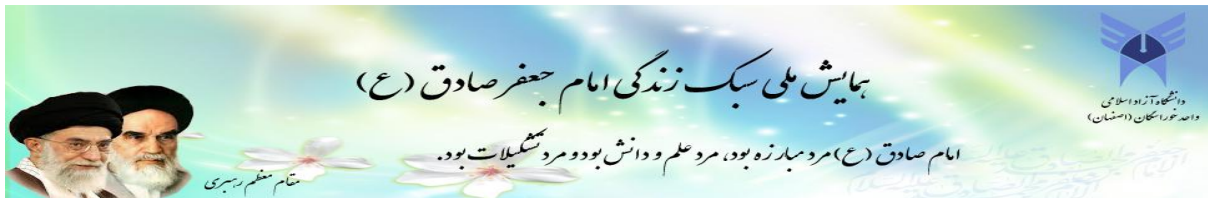
ب) انس با خدا: چه زیباست که جوانان پاک همیشه خدا را بهترین انیس خود بدانند و در سختی‌ها او را همدم و پناهگاه خویش بر گزینند. آن حضرت فرمود: «آنسو بالله واستوحشوا مما به أستأنس المترفون؛<sup>۲۶</sup> [انسان‌های با ایمان] با خدا انس گرفته‌اند و از آنچه که مال اندوزان و دنیا پرستان به آن انس گرفته‌اند، در هراسند.» آری آنان از نعمت‌های خداوندی بهره می‌برند، اما به آنها دل نمی‌دهند. آنان دل‌بسته خدا بوده و با یاد او آرام می‌شوند.

ج) پایداری در راه هدف پایداری در راه ایمان و عقیده از عوامل توفیق و پیروزی است. یک جوان آن گاه به آرزوهای مشروع و دلخواه دست می‌یابد که پشتکار و استقامت داشته باشد. مهمترین آرزوی هر جوان نیل به سعادت حقیقی و قرب پروردگار - که جلوه تمام کمالات، زیبایی‌ها و خوبی‌هاست - می‌باشد.

پیشوای صادق شیعیان فرمود: «لو ان شیعتنا استقاموا لصافحتهم الملائکة و لا ظلمهم الغمام و لا شرفوا نهارا و لا کلووا من فوقهم و من تحت ارجلهم و لما سالوا الله شیئا الا اعطاهم؛<sup>۲۷</sup> اگر شیعیان ما در راه حق استقامت ورزند، فرشتگان با آنان دست می‌دهند. ابرهای رحمت بر آنها سایه می‌افکند. مانند روز می‌درخشند، از زمین و آسمان روزی می‌خورند و آنچه از خدا بخواهند، به آنها عطا می‌کند.»

<sup>۲۶</sup> به نقل از تحف العقول

<sup>۲۷</sup> همان..



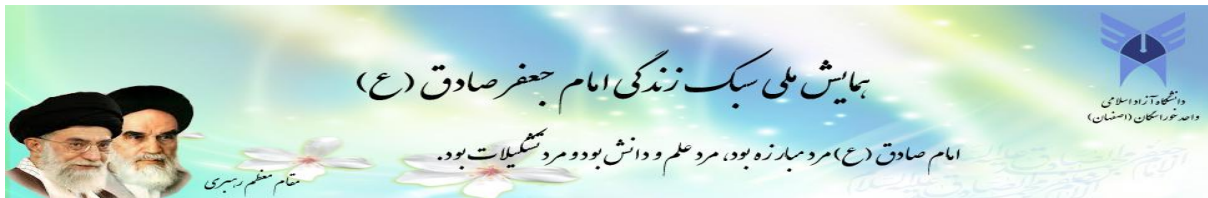
د) دستگیری از افتادگان: معلی بن خنیس می گوید: «امام صادق علیه السلام در شبی بارانی از خانه به سوی ظلّه بنی ساعده رفت. به دنبال او رفتم، گویی چیزی از دست او بر زمین افتاد. حضرت گفت:

به نام خدا، خداوندا آن را به ما بازگردان. به نزدیک رفته سلام کردم. فرمود: معلی تو هستی؟ عرض کردم! آری فدایت شوم! فرمود: با دست خود زمین را جست و جو کن، هر چه یافتی آن را به من بازگردان.

معلی می گوید: نان های زیادی روی زمین افتاده بود. یکی یکی، دوتا دوتا پیدا می کردم و به آن حضرت می دادم. کیسه ای پر از نان همراه آن حضرت بود و از سنگینی آن را به زحمت حمل می کرد. عرض کردم: اجازه دهید آن را من بیاورم؟ فرمود: من از تو شایسته ترم، ولی با من بیا. به ظلّه بنی ساعده رسیدیم. گروهی را دیدم که در خواب بودند. آن حضرت یک یا دو قرص نان را در زیر سر آنان می گذاشت. توزیع نان به آخرین نفر که تمام شد، بازگشتم. عرض کردم: فدایت شوم! آیا این ها شیعه هستند. فرمود: اگر شیعه بودند حتی در نمک طعام نیز با آنان مواسات و از خود گذشتگی می کردم.»<sup>۲۸</sup>

ه) توجه به غذا: یک جوان مسلمان همچنان که به سلامت روح خود می اندیشد، در پرورش جسم نیز کوشا است او فردی ضعیف البنیه، کسل و منزوی نیست بلکه به بهداشت غذای خویش در کنار بهداشت روانش توجه دارد. از راه تغذیه صحیح و ورزش جسم خود را تقویت می کند و از راه های مختلف نشاط خویش را به دست می آورد، اما در عین حال به حلال و حرام بودن غذایی که می خورد توجه کامل دارد و آثار مخرب غذای حرام و غیر مشروع را در وجودش در نظر دارد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «شیعتنا لا یاکلون الجری... و لایشربون مسکرا؛ شیعیان ما مارماهی نمی خورند... و شراب و مسکرات نمی نوشند.» (و) نیک رفتاری با اهل معصیت: در اصلاح رفتار غلط و ناپسند دیگران و کسانی که به نوعی مرتکب گناه می شوند، باید شیوه ای کارآمد در پیش گرفت و ترس و یاس آنان را در پیوستن به ردیف خوبان از میان برداشت و با نیک رفتاری و امید دادن، روحیه شکست خورده آنان را تقویت نموده و بازسازی کرد.

<sup>۲۸</sup> با استفاده از عبارات شهید مطهری



امام صادق علیه السلام فرمود: «لا تقل فی المذنبین من اهل دعوتکم الا خیرا، واستکینوا الی الله فی توفیقهم»<sup>۲۹</sup> در مورد همکیشان گنه کار خود جز خوبی و نیکی چیزی نگو و از خداوند توفیق هدایت آنان را بخواهید.»

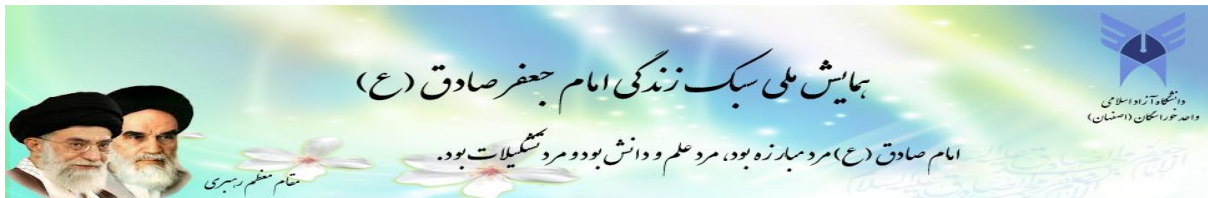
ز) در اندیشه شغل حلال: عبدالاعلی بن اعین در یک روز تابستانی بسیار گرم در یکی از کوچه‌های مدینه امام صادق علیه السلام را ملاقات کرده و به آن بزرگوار عرضه داشت: «فدایت شوم! با این مقام و منزلت و رتبه‌ای که نزد خداوند دارید و خویشاوندی که با پیامبر برای شماست، باز هم برای دنیای خویش تلاش می‌کنید و در چنین روز گرمی خود را در فشار و سختی قرار می‌دهید؟! امام در پاسخ فرمود: ای عبدالاعلی! جهت یافتن روزی و درآمد حلال بیرون آمده‌ام تا از افرادی همانند تو بی نیاز شوم».<sup>۳۰</sup>

ح) برنامه ریزی صحیح در زندگی: امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «فان الله يعلم انی واجد ان اطعمهم الحنطة علی وجهها و لکنی احب ان یرانی الله قد احسنت تقدیر المعیشه»<sup>۳۱</sup> خدا می‌داند که می‌توانم به بهترین صورت نان گندم خانواده‌ام را تهیه کنم، اما دوست دارم خداوند مرا در حال برنامه ریزی صحیح زندگی ببیند.»

<sup>۲۹</sup> به نقل از تحف العقول .

<sup>۳۰</sup> الکافی ج. ۵ ص. ۷۴.

<sup>۳۱</sup> الکافی ج. ۵ ص. ۱۶۶. و به نقل از اعیان الشیعه.



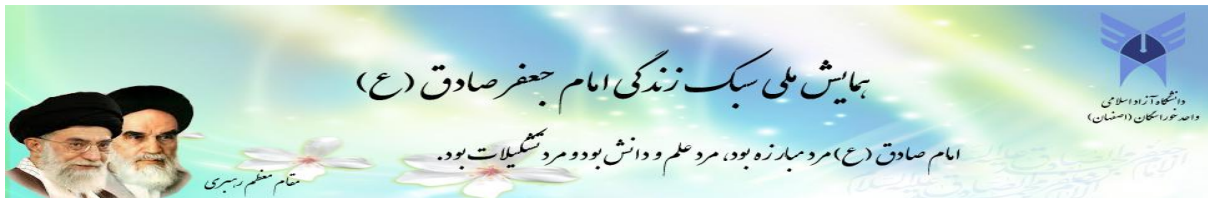
## ارتباط با جوانان

امام صادق علیه السلام توجه خاصی در جذب و تربیت جوانان داشتند. هشام جوانی بود که محضر امام صادق علیه السلام را درک کرد و به شکوفایی علمی رسید. مفضل ابن عمرو شماری دیگر از جوانان جزو یاران خاص آن حضرت بودند. عده‌ای از اهل کوفه برای امام صادق علیه السلام نامه نوشتند و به آن حضرت گفتند: مفضل ابن عمر که یکی از یاران شماس است با افراد ناباب و کبوتر باز نشست و برخاست می‌کند و با آنها ارتباط دارد. شایسته است که شما به او دستور فرمایید تا از آنان کناره‌گیری کند. حضرت نامه‌ای برای مفضل نوشت و زراره، محمد ابن مسلم و ابوبصیر را مأمور رساندن نامه به مفضل کرد. حضرت در آن نامه از مفضل خواسته بود تا اشیاء و وسایل بسیاری را برای آن حضرت تهیه نموده، به خدمتش ارسال نماید. مفضل پس از خواندن نامه، نامه رسانان را از محتوای نامه آگاه ساخت. آن‌ها گفتند: برای ما تهیه آن‌ها مقدور نیست. مفضل آن‌ها را به صبحانه دعوت کرد. آن‌ها مشغول خوردن صبحانه شدند. مفضل افرادی را به سراغ یاران جوان خود فرستاد. آن‌ها به خدمت مفضل رسیدند. مفضل نامه حضرت را به آن‌ها نشان داد. طولی نکشید که آن‌ها همه آنچه را که امام خواسته بود فراهم ساخته، تقدیم مفضل کردند. آن‌گاه مفضل رو به حاملان

نامه کرد و فرمود: آیا شما می‌خواهید من این‌ها را از خود دور کنم؟

## این است ششمین پیشوای ما

قدی متوسط، صورتی درخشان، مویی سیاه و مجعد، بینی‌ای کشیده، دو طرف پیشانی بی‌مو، بر گونه‌ی او خالی سیاه و بر بدن وی خالهای قرمز..



انسانی جلیل، شخصی با ابهت، به همه‌ی محامد آداب متصف، از همه‌ی صفات رذیله بر کنار، آثار زهد و عبادت از سیمای او هویدا، نشانه‌های خلوص و بندگی در وی به حد اعلی، دوست و دشمن به برتری او مقرر و به عجز و ناتوانی خود معترف..

چشم اندازی بی‌پایان، دریایی بی‌کران، امواجی خروشان علم او، راستی علم او! مغزی بزرگ، فکری مستقیم، اندیشه‌ای عمیق. از او می‌پرسند، همه می‌پرسند. می‌گویند، مثل او نمی‌گویند. حمله می‌کنند، شکست خورده به عقب بر می‌گردند. خطا می‌گویند، صواب می‌شنوند. مرکز اوست. محور اوست. اگر امضا کرد، درست است. اگر رد کرد، نادرست است. تأملی در کار نیست، مگر برای اینکه طرف بیشتر تشنه شود. .

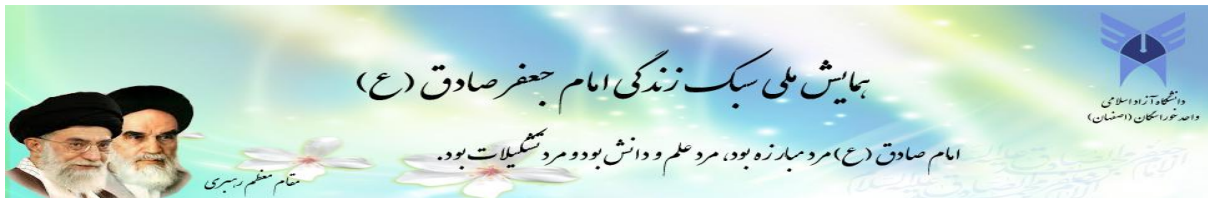
دانایان در مقابل او نادان، استادان در برابر وی شاگرد، هر چه ندانند او داند و بیاموزد و هر چه نفهمند او درک کند و بفهماند. .

هر که او را می‌شناخت که می‌شناخت. و هر که او را نمی‌شناخت از همان دم که لب می‌گشود و سخن آغاز می‌کرد، می‌گفت: «به یقین این مرد، عالم اهل بیت، جعفر بن محمد است» . در حضر، خانه‌ی او مرکز فضیلت و محضر او دانشگاه علوم و خود او برای استفاده‌های علمی انگشت نما بود. هر محققى برای رفع اشکال خود در برابر او زانو می‌زد و هر تازه واردی به منظور کسب فیض به سوی او هدایت می‌شد. .

هنگامی که آهنگ سفر می‌کرد و به راه می‌افتاد، گویی کاروانی از دانش و بینش است که به راه افتاده، و دایره‌المعارفی از فنون است که در وجود یک انسان گرد آمده است. هر جا که وارد می‌شد، محل تجمع تشنگان علم و ادب می‌گشت، و هر کجا که می‌نشست دلباختگان معارف و کمالات دور او حلقه می‌زدند. جایی نبود که از پرتو نور دانش او بی‌فروغ ماند، و عاشق علمی نبود که از فضیلت او کامیاب نشود. .

موقعی که به مکه مشرف می‌شد، از خدا چنان سخن می‌گفت که گویی کعبه‌ی صامت، برای حاجیان به سخن آمده و خدای نادیده در برابر دیدگان آنان مجسم شده است فضای عرفات و مشعر و منی به آواز و بیان او آشنا بودند. و آن بیابانهای مقدس صدای تکبیر و تهلیل او را تشخیص می‌دادند.

پرسشهای آزمایشی را چنان مفصل و روشن پاسخ می‌گفت، که سؤال کنندگان را شرمنده و از سؤال پشیمانشان می‌کرد. سؤال کوچکی را به نحوی شرح و بسط می‌داد که سائل مات و مبهوت می‌شد، و با خود می‌گفت: «آیا می‌شود انسان تا این اندازه در علوم و فنون مختلف اطلاعاتی دامن‌دار داشته باشد؟» .



اشخاصی را که به خیال خود معلومات داشتند و در مقابل وی خود را کسی می دانستند، در میدان سنجش دانش، چنان بر زمین می کوبید که هیچ گاه نمی توانستند در مقابل وی عرض وجود کنند. مردم متکبر که دستورات دین را بازیچه فرض می کردند و آنها را وسیله رهبری و گردآوری مردم عوام می دانستند و شأن خود را بالاتر از آن می پنداشتند که زیر بار آن تکالیف بروند، چنان مجاب و قانع می کرد که تا آخر عمر روی اعتراض نداشتند، و به فکر ایراد گرفتن و پرسیدن از وی نمی افتادند.

آری، این است ششمین پیشوای ما، امام صادق علیه السلام!

## ۲. جوان و امام صادق

نگاه مهربان امام صادق (ع) به جوانان، همراه با بزرگداشت شخصیت، تکریم استعدادها و صلاحیتها، احترام به نیازها و توجه به قلبهای پاک و زلال آنان بود و اقبال جمع جوانان به سوی امام (ع) فرایند عملکرد و رفتار متین، محبت آمیز، حکیمانه و سرشار از خلوص و عاطفه آن حضرت بود، بدان حد که سخنش بر اریکه دل آنان می نشست، زیرا گرایش جوان به خوبی، نیکی و زیبایی بیشتر و سریعتر از دیگران است. پدیده ای که امام بدان اشاره نموده می فرماید:

«انهم اسرع الی کل خیر»<sup>۳۲</sup>.

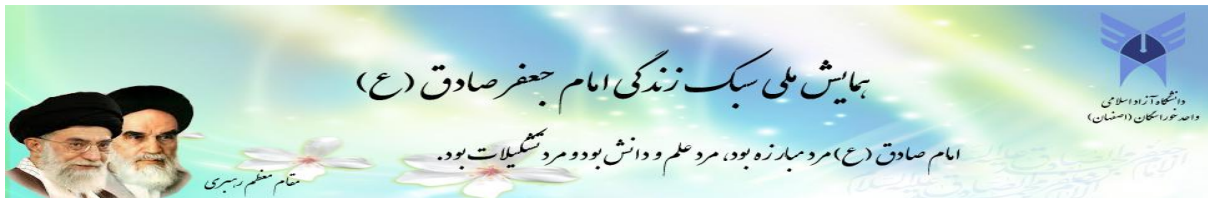
جوانان زودتر از دیگران به خوبیها روی می آورند.

رفتار و سخن امام صادق (ع) ترجمان حقیقی این گفته رسول خدا (ص) است که فرمود:

«اوصیکم بالشبان خیرا، فانهم ارق افئده» سفارش می کنم شما را که، با جوانان به خوبی و نیکویی رفتار کنید، چرا که آنان نازک دل و عاطفی ترند.

امام ضمن توجه به روح لطیف و احساس آرمانی جوانان، یاران و نزدیکان خود را نیز به دقت و توجه در این نکات رهنمون می ساخت. از جمله، یکی از یاران امام به نام «مؤمن طاق»<sup>۳۳</sup> برای

<sup>۳۲</sup> بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۳۶



پیام رسانی و تبلیغ دین، مدتی را در شهر بصره گذراند. وقتی که به مدینه بازگشت، خدمت امام صادق (ع) رسید، حضرت از او پرسید:

به بصره رفته بودی؟

آری!

اقبال مردم را به دین و ولایت چگونه دیدی؟

بخدا اندک است! می آیند ولی کم!!

جوانان را دریاب، زیرا آنان به نیکی و خیر از دیگران پیشتازترند.

گزیده‌ای از منشور جوان را در اندیشه صادق آل محمد (ص) مرور می‌نماییم:

## ۱-۲ کوچ عصر

جوانی «فرصت نیکو» و «نسیم رحمت» است که باید به خوبی از آن بهره جست و با زیرکی، ذکاوت و تیزبینی آن نعمت خداداد را پاس داشت؛ زیرا که این فرصت، «ربودنی» و «رفتنی» است و ضایع ساختن آن، چیزی جز غم، اندوه و پشیمانی را برای دوران پس از آن به ارث نمی‌گذارد. زندگی کوتاه است و راه کار دراز و فرصت زود گذر! تنها سرمایه‌ی گرانبهای ما وقت است که بازگشتی ندارد، از این رو بزرگترین فن بهتر زیستن، بهره‌جستن از فرصتهای بی نظیری است که بر ما می‌گذرد؛ این سخن امام صادق (ع) را باید جدی گرفت:

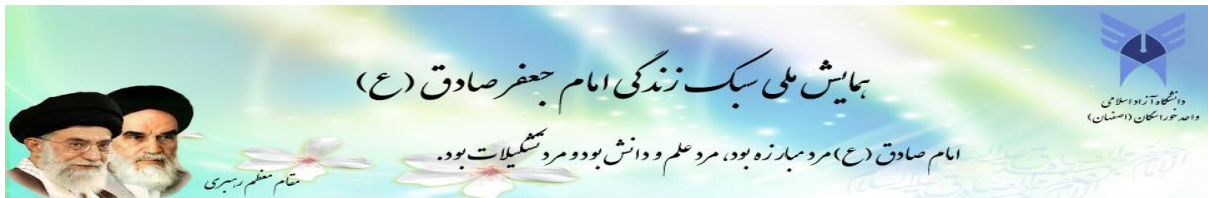
«من انتظر عاجله الفرصه مواجله الاستقصاء سلبته الايام فرصته، لان من شان الايام السلب و سبيل الزمن الفوت»<sup>۳۴</sup>.

به هرکس فرصتی دست دهد و او به انتظار بدست آوردن فرصت کامل آن را تاخیر اندازد، روزگار همان فرصت را نیز از او برباید، زیرا کار ایام، بردن است و روش زمان، از دست رفتن.

<sup>۳۳</sup> محمد بن علی بن نعمان معروف به (أحول) و (مومن الطاق) از بزرگان شیعه و از یاران دانشمند امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) بوده

است. خاطره مناظرات او با ابوحنفیه بسیار زیبا و ماندگار است و امام بسیار او را دوست می‌داشتند

<sup>۳۴</sup> بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۶۸



## ۲-۲ رنگ خدا

آدمی با ورود به دوران جوانی به دنبال «هویت» جدیدی می‌گردد؛ آن احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود، از این که: «من که هستم و که باید باشم؟» که دستیابی به آن، به فرد امکان می‌دهد که ارتباطات خود را با خویشتن، خدا، طبیعت و جامعه تنظیم دهد.

در این مرحله هویت‌یابی نقش «آگاهی و بینش» بسیار مؤثر و کارساز بوده، بر «رفتار و عمل» پیشی دارد، در این دوران، ممکن است سرگردانی در هویت سبب گردد که جوان نسبت به کیستی خود و نقش اجتماعی خود دچار تردید گردد و این شک ضمن برهم زدن هماهنگی و تعادل روانی، او را به «بحران هویت» بکشانند، بحرانی که جوان به پیرامون اهداف بلند مدت، انتخاب شغل، الگوهای رفاقت، رفتار و تمایل جنسی، تشخیص مذهبی، ارزشهای اخلاقی و تعهد گروهی با تردید و شک خواهد نگریست.

در شکل دهی هویت، «معرفت دینی» نقش مهمی را ایفا می‌کند و در واقع، دین می‌تواند تکیه گاه جوان و رهایی دهنده او از این بحران باشد؛ البته «دانش»، «کار و تلاش» نیز در ساماندهی هویت او کارساز است<sup>۳۵</sup>.

بنابراین، جوان باید رنگ خدایی گیرد تا هویتش خدایی گردد، «دین» همان «رنگ خدا» است که همگان را بدان دعوت می‌کنند: (صبغه الله و من احسن من الله صبغه<sup>۳۶</sup>)؛ رنگ خدایی (بپذیرید!) و چه رنگی از رنگ خدا بهتر است؟ امام صادق (ع) درباره ی آیه فوق می‌فرماید:

«مقصود از رنگ خدایی همان دین اسلام است.»

دین به انگیزه جوان در بنا و آراستن هویت او پاسخ می‌دهد، چرا که آدمی دارای عطشی است که فقط با پیمودن راه خدا فرو می‌نشیند؛ از این رو امام صادق (ع)، یادگیری بایدها و نبایدها و اندیشه‌های سبز دین را از ویژگیهای دوران جوانی می‌داند و گاه نسبت به آن دسته از جوانانی که «علم دین» نمی‌دانند و در پی آن نمی‌روند، رنجیده خاطر می‌گردد.

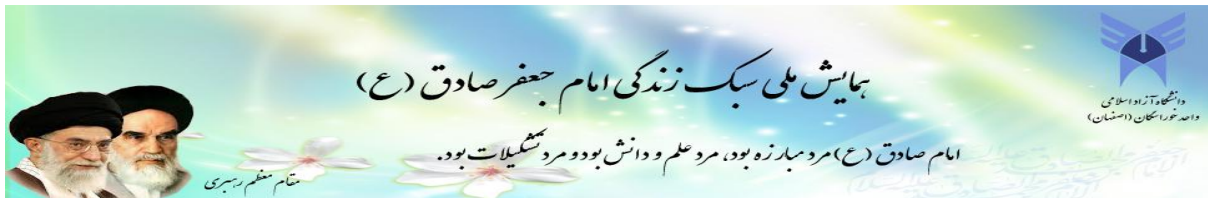
## ۳-۲ قرائت معتبر دین

دین اسلام، همان روش زندگی است که میان زندگی اجتماعی و پرستش خدای متعال پیوند می‌دهد و در همه ی اعمال فردی و اجتماعی برای انسان مسوولیت خدایی ایجاد می‌کند، که این

<sup>۳۵</sup> روانشناسی نوجوان، صص ۱۲۲ و ۱۲۳

<sup>۳۶</sup> سوره بقره ۲/۱۳۸





مجموعه عقاید و دستوره‌های علمی، اخلاقی، سبب خوشبختی انسان در این سرا و سعادت جاوید در جهان دیگر می شود.

فهم از دین چگونه است؟ و جوان دین خود را از که بجوید؟!

آیا هرکس می تواند به فهمی از دین برسد؟!

آیا هر فهمی از دین، صواب و پسندیده است؟!

آیا «فهم دینی» فهم نسبی است و هیچ فهم ثابتی وجود ندارد؟!<sup>۳۷</sup>

و یا آن که یک تفسیر و قرائت رسمی از دین وجود دارد.

پس از رحلت رسول اکرم (ص)، مکتب اهل بیت (ع) به عنوان «ثقل اصغر» در جایگاه حقیقی دین خوش درخشید، و لیکن افراد و گروههایی نیز به عللی!! در برابر این اندیشه قرار گرفته، با طرح «قرائت مختلف از دین» به مقابله با معارف معصومان علیهم السلام پرداختند و مع الاسف تاریخ فرهنگ و معارف اسلامی ما همیشه شاهد عرصه گردانی و فریب افکار عمومی از سوی خالقان دیدگاههای دینی بود.

در عصر امام صادق (ع) فرای از رواج مکاتب الحادی و هجوم اندیشه‌های یونانی و ایجاد نهضت ترجمه، دیدگاهها و نظریات گوناگونی در چارچوب «قرائتهای دینی» طرح گردید، حتی برخی از ارباب فرق که خود مدتی در محضر پیشوای ششم شاگردی کرده بودند، به طرح دیدگاه خویش و عنوان دیدگاه برتر و صواب پرداختند و در مقابل منادی، احیاگر و متولی قرائت حقیقی دین، امام صادق (ع)، ایستادگی کردند و گروهی را به سمت خود کشاندند.

امام در برخورد با این دیدگاهها، خود به افشای آنها پرداخت و از سویی به تربیت شاگردان همت گمارد تا آنان در عرصه‌های مناظره و گفتگو به بافته‌های ایشان پاسخ گویند.

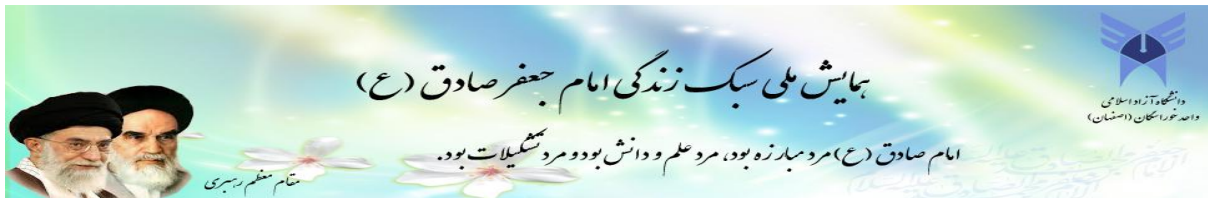
نکته‌ای که بسیار دل امام را می آزد، توطئه جذب جوانان از سوی این فرقه‌های منحرف، اما مدعی اسلام بود، به عنوان نمونه، امام صادق (ع) جوانان را از گرایش به دو فرقه مطرح آن عصر، مرجئه<sup>۳۸</sup> و غلات<sup>۳۹</sup> بر حذر می داشت. امام می فرمود:

«بر جوانانتان از غلات بر حذر باشید که آنها را به فساد نکشانند؛ زیرا غلات پست‌ترین خلق خدا هستند، اینان ظمت خدای را کوچک می کنند و ادعای ربوبیت و خدایی را برای بندگان او قائل هستند.»<sup>۴۰</sup>

<sup>۳۷</sup> امروزه ( بحث قرائت های مختلف از دین) ریشه در نگاه نسبی گرایی به دین دارد که همان منشأ هرمنوتیکی است

<sup>۳۸</sup> فرهنگ فرق اسلامی. صص ۴۰۱/۴۰۶

<sup>۳۹</sup> همان. صص ۳۴۴/۳۴۷



امام با اصل قرار دادن پیشگیری، ارائه دقیق دین حقیقی و برگرفته از مکتب اهل بیت علیهم السلام را به جوانان توصیه می‌کردند تا راه را بر راهزنان اندیشه جوانان سد نمایند، حضرت می‌فرمود:

«جوانان را دریابید! به آنان حدیث و دین بیاموزید، پیش از آن که مرچئه بر شما پیشی گیرند.»<sup>۴۱</sup>

امام صادق (ع) همچنین جوانان را مخاطب خود ساخته می‌فرماید:

ای گروه جوانان! از خدا پروا کنید و نزد روسای منحرف) نروید، و اگذاریدشان تا (از جایگاه بافتنی خود بیفتند و) به دنباله رو تبدیل شوند، آنان را به جای خدا همدم خود نگیرید، به خدا سوگند که من برای شما از ایشان بهترم. آنگاه با دست خود به سینه‌اش زد. ۴۲

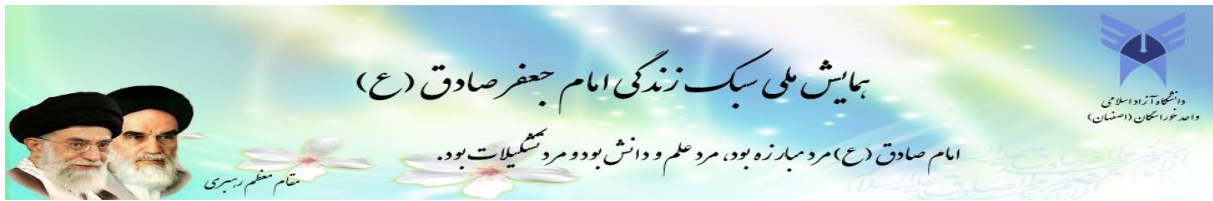
## نتیجه گیری

سخنان و گفته‌های نغز امام صادق (ع) روح و جان را قوت بخشیده، منشور دستورهای زندگی و سعادت‌مندی آن است. امید است جامعه جوان و پرنشاط، هندسه شخصیت و هویت خود را در پرتو معارف این امام (ع) ترسیم کرده، خود و جامعه را در سیره و منش، در مسیر تحقق آرمان جامعه دینی و مدینه آرمانی

<sup>۴۰</sup> سفینه البحار ج. ۲ ص. ۳۳۴

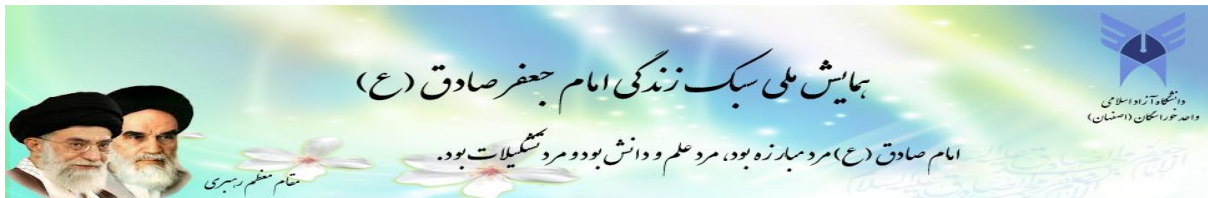
<sup>۴۱</sup> المحاسن ص. ۶۰۵

<sup>۴۲</sup> نور الثقلین ج. ۲ ص. ۱۹۱



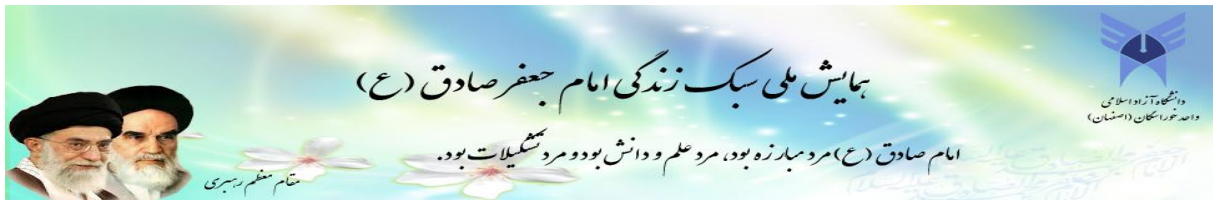
اهل بیت علیهم السلام سمت و سو بخشید. به امید اینکه همه ما مسلمانان از بندگان  
مخلص درگاه حضرت حق و سربازهای مهدی موعود (عج) باشیم.

تقدیم به پیشگاه پاک حضرت قائم (عج)



## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. الحرّانی، عن آل الرسول حسن بن علی شعبه، تحف العقول، تحقیق: علی اکبر غفاری.
۳. الحویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین / مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، نشر اسماعیلیان، ۱۳۷۰ هـ ش.
۴. برقی، ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، تهران.
۵. بیابانگرد، اسماعیل، روانشناسی نوجوان.
۶. حرعاملی، شیخ محمد، وسائل الشیعه، مترجم: علی افراسیابی، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۳ هـ ق.
۷. فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ هـ ش.
۸. قمی، صدوق، من لایحضره الفقیه، مترجم: علی اکبر غفاری، محمد جواد صدر بلاغی، صدوق.
۹. کلینی رازی / ابو جعفر، کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۸۹ هـ ق.
۱۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مترجم: موسی خسروی، کتابفروشی اسلامیه، «۱۰۳۷-۱۱۱۰» هـ ق، تهران.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم: حمید رضا شیخی، چاپ اول، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۷ هـ ش.
۱۲. مشکور، جواد، فرهنگ فرق اسلامی.



۱۳. مظاهری، حسین، اخلاق در خانه، چاپ هفتم، نشر اخلاق، قم ۱۳۷۴ ه. ش.